

راهنمای کامل ۱۴۱۰ واژه پربسامد (دروس ۱ تا ۱۴۲)

LESSON ONE

abandon	ترک کردن، رها کردن	disobey	سرپیچی کردن از	knight	سلحشور	shave	تراشیدن
accordingly	در نتیجه	excellent	عالی	mixed up	گیج	sick	بیمار
anecdote	حکایت	exercise	نرمش، ورزش	muddy	گل آلود	situation	موقعیت
award	پاداش	extra	اضافه	oath	سوگند، ناسزا	smell	بوایی
background	پیشینه	eyesight	بینایی	overcome	غلبه کردن بر	soldier	سرباز
battle	جنگ	face	مواجه شدن با	plan	قصد داشتن	spread	پهن کردن
blade	تبع	flirt	لاس زدن	please	خشنود کردن	such	چنین
buddy	رفیق	force	مجبور کردن	pleased	خوشحال	tact	تدبیر
butcher	قصاب	gallant	شجاع	princess	شاهدخت	treatment	رفتار
calm	آرام کردن	hardship	سختی	promise	سوگند	truth	حقیقت
champion	قهرمان	heat	گرما	puddle	گودال	unaccustomed	نامأنوس
cloak	شنل	hire	استخدام کردن	queen	ملکه	upbringing	تربیت
contest	مسابقه	however	اما	quit	ترک کردن	vacant	خالی
court	دادگاه	impress	تحت تأثیر قرار دادن	realize	پی بردن	wedding	عروسی
cross	رد شدن از	invite	دعوت کردن از	remain	ماندن	weight	وزن، وزنه
demonstrate	نشان دادن	jail	زندان	robbery	سرقت	while	هنگام
desert	ترک کردن	jealous	حسود	salesman	فروشنده	whole	تمام
detective	کارآگاه	jury	هیئت منصفه	seat	جا	widow	بیوه زن
discover	کشف کردن، پی بردن	keen	حساس، مشتاق، شدید، تیز	sense	حس	witness	شاهد

LESSON TWO

adventure	ماجرا	discover	کشف کردن	hour	ساعت	scream	شیون کردن
arm	بازو	dishonest	متقلب	inhabit	اقامت داشتن	search	جستجو
blanket	پتو	dismal	دلگیر	janitor	نگهبان	shadow	سایه
boatman	قایقران	election	انتخاب	legal	قانونی	shriek	جیغ زدن
boss	رئیس	escape	فرار کردن	loud	بلند	sinister	شوم
bottom	پایین	evil	بد، شر	mention	ذکر کردن	slum	فقرنشین
castle	قلعه	exciting	هیجان انگیز	midnight	نیمه شب	somewhat	تا حدی
cemetery	گورستان	expect	انتظار داشتن	nearby	نزدیک	spirit	روح، شیخ
cleverly	با زیرکی	feeling	احساس	numb	بی حس	stairs	پلکان
climate	آب و هوا	fireplace	شومینه	offer	پیشنهاد	tactfully	با تدبیر
climb	بالا رفتن از	flashlight	چراغ قوه	pay	حقوق	temperature	دما
coffin	تابوت	floor	کف	peril	خطر	terror	وحشت
commit	مرتکب شدن	force	وادار کردن	pleasure	لذت	tombstone	سنگ قبر
conceal	پنهان کردن	forest	جنگل	plot	توطئه	treat	رفتار کردن
corpse	جسد	free	مجانی	promise	قول	trick	کلاه، حقه
count	شمردن	frighten	ترساندن	qualified	واجد شرایط	truth	حقیقت
crime	جنایت	frigid	بسیار سرد	realize	متوجه شدن	uncover	کشف کردن
customer	مشتری	grave	قبر	recline	دراز کشیدن	vacant	خالی
deadened	کرخت	greatly	بسیار زیاد	relative	خویشاوند	vote	رای
depressing	غم انگیز	gun	تفنگ	revenge	انتقام	wager	شرط
describe	توصیف کردن	hardship	سختی	rise	افزایش	waterfall	آبشار
dirty	کثیف	hide	مخفی کرن	robber	دزد	wicked	پست

LESSON THREE

affect	اثر گذاشتن بر	earn	بدست آوردن	low-paid	کم حقوق	scarce	کمیاب
anger	عصبانی کردن	employer	کارفرما	major	اصلی	scheme	طرح
annual	سالانه	etc.	و غیره	manufacturer	تولید کننده	sharp	شدید
area	زمینه	excitement	هیجان	mixture	ترکیب	shortening	روغن
auto	اتومبیل	executive	مجریه	moisture	رطوبت	since	چونکه
beyond	فراتر از	executive	مدیر	natural	طبیعی	slaughter	قتل عام
blend	ترکیب	expensive	گران	owner	صاحب، مالک	smooth	صاف و هموار
breeze	نسیم	expert	کارشناس	paint	رنگ	solution	راه حل
call	مکالمه	flour	آرد	persuade	متقاعد کردن	store	مغازه
charge	هزینه	germ	میکروب	plan	طراحی کردن	strike	اعتصاب
clothing	پوشاک	gift	هدیه	player	بازیکن	sunshine	نور خورشید
commercial	آگهی بازرگانی	give up	دست برداشتن از	potato	سیب زمینی	take place	صورت گرفتن
convention	همایش	grade	کلاس، پایه	president	رئیس جمهور	talent	استعداد
cook	آشپز	grant	اعطاء کردن	price	قیمت	tempt	وسوسه کردن
costume	لباس	huge	عظیم	producer	تولید کننده	thoroughly	کاملاً
delicious	خوشمزه	innocent	بی گناه	quarrel	بحث	tie	کراوات
demand	تقاضا کردن	invent	اختراع کردن	quite	کاملاً	tight	تنگ
dense	انبوه	invitation	دعوت	raise	ترفع	training	آموزش
desert	بیابان	judicial	قضایه	regular	ثابت	visible	قابل رؤیت
devise	ابداع کردن	labor	کارگری	replacement	جایگزین	wage	دستمزد
diamond	الماس	last	طول کشیدن	retail	خرده فروشی	wager	شرط
dine	غذا خوردن	lateness	تاخیر	rise	افزایش	wholesale	عمده فروشی
dispute	بحث	lawyer	وکیل	salary	حقوق	willing	راغب، مایل
early	اوایل	legislative	مقننه	save	پس انداز کردن	yearly	سالانه

LESSON FOUR

advance	مطرح کرن	crowd	جمعیت	gardener	باغبان	omit	حذف کردن
against	در برابر	damp	نمناک	giant	غول پیکر	page	صفحه
altitude	ارتفاع	dense	غلظت	graduate	فارغ التحصیل شدن	persuade	متقاعد کردن
at once	فوراً	descend	پایین آمدن	hanging	اعدام	picture	فیلم
average	معمولی	disappear	ناپدید شدن	hole	سوراخ، حفره	pilot	خلبان
beautify	زیبا کردن	drop	انداختن	hoop	حلقه	pipe	لوله
believe	اعتقاد داشتن	eager	مشتاق	huge	عظیم	predict	پیش بینی کردن
blade	تیغه	effort	تلاش	humid	مرطوب	raise	بالا بردن
blanket	پتو	elevator	آسانسور	knight	شوالیه	reasoning	استدلال
blend	ترکیب کردن	eliminate	رهایی یافتن از	lake	دریاچه	recent	اخیر
border	کردو	engine	موتور	leaves	برگها	remove	از بین بردن
cellar	زیرزمینی	enormous	بسیار بزرگ	leftovers	پس مانده های غذایی	researcher	محقق
chemical	ماده ی شیمیایی	evaporate	تبخیر شدن	librarian	کتابدار	row	پارو زدن
circulate	پخش شدن	experiment	آزمایش	lover	عاشق	scarce	کمیاب
clear	تمیز کردن	fan	پنکه	magician	جادوگر	scissors	قیچی
clothing	پوشاک	fight	نبرد	make up	ساختار	search	جستجو
conceal	پنهان کردن	figure (out)	حساب کردن	moist	مرطوب	show	نمایش
cooking	آشپزی	fog	مه	moisture	رطوبت	somehow	به نحوی
cost	هزینه	frequent	مکرر	observation	مشاهده	space	فضا
crab	خرچنگ	gallant	شجاع	ocean	اقیانوس	stream	جویبار

string	نخ	thick	ضخیم	vanish	ناپدید شدن	weeds	علفهای هرز
suddenly	ناگهان	though	گرچه	vapor	بخار	while	هنگام
suggest	پیشنهاد کردن	thus	از این طریق	wave	تکان دادن	willing	خواهان، مایل
swamp	باتلاق	upward	به طرف بالا	weapon	سلاح	winner	برنده
sword	شمشیر	utilize	بکار بردن	weatherman	هواشناس	witch	جادوگر

LESSON FIVE

action	عمل	essential	ضروری	lawyer	وکیل	riot	شورش
aim	هدف	evade	دوری کردن از	load	بار	rioter	شورش‌ی
approve	تأیید کردن	explore	بررسی کردن	majority	اکثریت	rule	قانون
area	ناحیه	fault	نقص، عیب	meaningless	بی‌معنی	rural	روستایی
assemble	جمع شدن	favorite	مورد علاقه	meet	تشکیل جلسه دادن	safety	امنیت
beard	ریش	financial	مالی	opinion	اعتقاد	scandal	رسوایی
bill	لایحه	follow	تبعیت کردن از	pass	تصویب شدن	set	وضع کردن
biology	زیست‌شناسی	force	مجبور کردن	peaceful	آرام	shriek	جیغ و داد
burden	بار	generation	نسل	persuade	متقاعد کردن	solution	راه حل
campus	محوطه	get up	بیدار شدن	philosopher	فیلسوف	spacecraft	سفینه‌ی فضایی
cheap	ارزان	heated	داغ	politician	سیاستمدار	stay up	بیدار ماندن
cleverness	زرنگی	historian	مورخ	pretend	تظاهر کردن	subject	موضوع
closely	به دقت	however	اما	prisoner	زندانی	teenager	نوجوان
council	شورا	hurt	آسیب‌رساندن	probe	بررسی	throughout	در سراسر
crime	جنایت	if	آیا	prove	ثابت کردن	tomato	گوجه‌فرنگی
custom	رسم	innocent	بی‌گناه	question	بازجویی کردن	topic	مبحث
debate	بحث	invalid	معلول	reason	دلیل	tradition	سنت
enormous	بسیار بزرگ	last	طول کشیدن	reform	اصلاح	trickery	حقه، کلک
entire	تمام، کل	law	قانون	religion	مذهب	vapor	بخار

LESSON SIX

angle	زاویه	client	مؤکل	fault	عیب، نقیصه	majority	اکثریت
apologize	معذرت خواستن	condition	وضعیت	fee	اجرت	messy	بههم ریخته
appliance	وسیله‌ی خانگی	customer	مشتری	fire	اخراج کردن	mislead	گمراه کردن
approach	نزدیک شدن به	debater	مناظره کننده	follow	دنبال کردن	missing	مفقود
argument	بحث	deceive	فریب دادن	formation	شکل‌گیری	mood	خلق و خو
as well as	و نیز	defect	نقص	frighten	ترساندن	neglect	بی‌توجهی کردن
assemble	جمع شدن	defraud	فریب دادن	half	نیم	noun	اسم
attempt	تلاش	dental	دندانی	honesty	صداقت	outcome	نتیجه
attention	توجه	description	توصیف	innocent	بی‌گناه	owner	مالک
basement	زیرزمین	detect	پی‌بردن	insist	اصرار کردن	paper	برگه، ورقه
beau	خاطرخواه	dirty	کثیف	keep	نگه داشتن	pay	حقوق
body	بدنه	discover	کشف کردن	knowingly	دانسته	pilgrim	زائر
boss	رئیس	employee	کارمند	lab	آزمایشگاه	plan	طرح
brake	ترمز	engine	موتور	lawyer	وکیل	popular	معروف
burden	بار	essential	ضروری	limp	لنگیدن	praise	ستایش کردن
certainly	قطعاً	exam	معاینه، بررسی	livelihood	روزی، معاش	present	هدیه
cheat	فریب دادن	expert	کارشناس	loss	خسارت	pretend	تظاهر کردن
check-up	بررسی	explore	بررسی کردن	lower	پایین آوردن	quit	ترک کردن
choir	گروه کر	false	دروغ	major	عمده	rate	نرخ

repair	تعمیر	serve	بکار رفتن	strike	اعتصاب	trial	محاكمه
reply	پاسخ	service	خدمت	surely	قطعاً	undoubtedly	بی تردید
report	گزارش	since	از آنجا که	take	طول کشیدن	unjustly	ناعادالانه
ruin	از بین بردن	singer	خواننده	tax	مالیات	vanish	ناپدید شدن
sarcasm	طعنه	song	آواز، نغمه	thorough	جامع، کامل	wage	دستمزد
scarce	کمیاب	spirit	روحیه	tone	لحن	weekly	هفتگی

LESSON SEVEN

advocate	حامی	defraud	فريب دادن	lift	بلند کردن	resent	ناراحت شدن
ancient	باستانی	delay	به تاخیر انداختن	lying	دروغ گفتن	room	فضا
appearance	ظاهر	denounce	محكوم کردن	main	اصلی	rural	روستایی
approval	تأیید	devise	ابداع کردن	majority	اکثریت	safe	ایمن
arise	پدید آمدن	dim	تاریک	massive	حجیم	search	جستجو
attempt	تلاش	disapproval	نارضايتی	massive	حجیم، عظیم	servant	خدمتکار
attorney	بازیرس	district	بخش	mistreat	بد رفتاری کردن با	spirit	روحیه
beforehand	از پیش	disturb	آشفته کردن	molest	مزاحم شدن	spy	جاسوس
boss	رئیس	diver	غواص	muscle	ماهیچه	stamp	تمبر
bulky	بسیار بزرگ	due	شهریه	neglect	بی توجهی کردن	subway	مترو
burden	بار	earthquake	زمین لرزه	opening	افتتاحیه	suppose	فرض کردن
care	مراقبت	emergency	اضطراری	order	روال، نظم	swimmer	شناگر
charge	اتهام	equal	برابر	overcrowded	بسیار شلوغ	thorough	کامل
club	باشگاه	equipment	تجهیزات	own	داشتن	torrent	سیل
collection	مجموعه	expect	انتظار داشتن	owner	مالک	treat	رفتار کردن
condemn	محكوم کردن	explore	بررسی کردن	permission	اجازه	trouble	مشکل
connection	رابطه	express	ابراز کردن	plan	قصد داشتن	undoubtedly	بی تردید
conqueror	فاتح	face	روبرو شدن با	postpone	به تأخیر انداختن	unexpected	غیر منتظره
consent	رضایت دادن	farmer	کشاورز	prediction	پیش بینی	unforeseen	پیش بینی نشده
constitution	قانون اساسی	flood	سیل	private	خصوصی	unique	منحصراً
consumer	مصرف کننده	frozen	منجمد	probe	بررسی، تحقیق	unload	تخلیه کردن
contain	در بر داشتن	gloomy	دلگیر	probe	تحقیق کردن	upset	ناراحت کردن
couple	زوج	grand	بزرگ	product	محصول	victim	قربانی
crew	خدمه	human	انسان	protect	حفاظت کردن از	warn	هشدار دادن
cure	درمان	illness	بیماری	put off	به تعویق انداختن	wedding	عروسی
debate	بحث	incurable	لا علاج	raise	افزایش دادن	weight	وزنه
defective	معیوب	inventor	مخترع	record	سابقه	wreck	لاشه

LESSON EIGHT

alive	زنده	composition	انشاء	feature	به نمایش گذاشتن	instrument	ابزار
anywhere	همه جا	condition	حالت	foreman	رئیس	judge	قاضی
authority	اعتبار	consent	رضایت دادن	gloomy	غم انگیز	lack	عدم
average	متوسط	contest	رقابت	guitarist	نوازنده‌ی گیتار	lock	قفل کردن
beard	ریش	deceive	فريب دادن	hide	مخفی شدن	lumberjack	چوب بر
boat	قایق	denounce	محكوم کردن	hire	استخدام کردن	make-up	آرایش
bookkeeper	حسابدار، دفتردار	detective	کارآگاه	horrible	وحشتناک	massive	حجیم
bulky	عظیم، حجیم	discovery	کشف	immediately	فوراً	measure	اقدام
client	مؤکل	entertainment	سرگرمی	importance	اهمیت	mediocre	معمولی
clue	سر نخ	exaggerate	اغراق کردن	inexpensive	ارزان	movie	فیلم

mysterious	مرموز	preserve	حفظ کردن	security	امنیت، امنیتی	undoubtedly	بی تردید
obvious	مشخص، آشکار	profession	حرفه	space	فضا	unique	منحصراً بفرده
ordinary	معمولی	professional	حرفه ای	staff	کارمندان	unique	منحصراً بفرده
overstate	غلو کردن	prominent	برجسته	storm	طوفان	valid	معتبر، موثق
package	بسته	reluctant	بی میل	strict	شدید	variety	تنوع
pill	قرص	remain	ماندن	style	سبک	violet	بنفش
plain	ساده، آشکار	remove	برداشتن	survive	زنده ماندن	weird	عجیب
player	نوازنده	require	لازم داشتن	swallow	بلعیدن	well-known	معروف
pleasure	لذت	responsibility	مسئولیت	torrent	سیل	whether	آیا
popularity	محبوبیت	root	ریشه	truth	حقیقت	whole	تمام
present	ارائه کردن	sameness	شبهات	uncertain	نا مشخص	witness	شاهد

LESSON NINE

a variety of	مختلف، انواع	disregard	بی توجهی کردن به	jury	هیئت منصفه	report	گزارش
ancient	باستانی، باستان	division	قسمت، بخش	lack	فایده چیزی بودن، نداشتن	resent	تذمر داشتن از
approach	نزدیک شدن به	document	سند	lawyer	حقوقدان، وکیل	residential	مسکونی
area	منطقه	duel	دوئل، جنگ تن به تن	legend	افسانه	resist	مقاومت کردن
as well	هم، نیز	entrance	ورود	manners	آداب، رفتار	responsibility	مسئولیت
baby	نوزاد، بچه	exaggeration	مبالغه، غلو	massive	حجیم، بزرگ، عظیم	review	مرور
banish	تبعید کردن	expect	انتظار داشتن	mayor	شهردار	rural	روستایی
beat	شکست دادن	extreme	شدید	measures	اقدامات	scare	بیست
bulky	حجیم، عظیم	fit of rage	جنون آنی	newly	اخیراً	scientific	علمی
case	پرونده	foolish	احمقانه	obviously	قطعاً، مسلماً	section	بخش
century	قرن	forbidden	ممنوع	onlooker	تماشاچی	security	امنیت، امنیتی
challenge	به مبارزه طلبیدن	generation	نسل	originate	نشأت گرفتن	seek	دنبال چیزی بودن، خواستن
chemistry	شیمی	gloomy	دلگیر	peril	خطر	sense	حس
constantly	مدام، دائم	great	معروف، مشهور	permanently	برای همیشه	sign	امضاء کردن
contract	قرار داد	guilty	مقصر، گناهکار	poke fun at	مسخره کردن	source	منبع، منشأ، مأخذ
countless	بی شمار	habit	عادت	prisoner	زندانی	survive	برجای ماندن، سالم ماندن
critical	انتقاد آمیز	handwritten	دست نوشته	professional	کارشناس	the press	مطبوعات
daily	روزانه	honestly	صادقانه	progress	پیشرفت	thunderstorm	رعد و برق
dancer	رقاص	ignore	بی توجهی کردن به	prominent	برجسته، ممتاز	tight	سفت و سخت، شدید
decree	حکم	indeed	در واقع	question	زیر سؤال بردن	torrent	سیل
delicious	لذیذ، خوشمزه	innocent	بی گناه	rage	خشم، عصبانیت	undeniable	غیرقابل انکار، مسلم
destroy	از بین بردن	instead of	به جای	realize	متوجه شدن، پی بردن	verify	تصدیق کردن
diet	رژیم غذایی	instrument	ابزار	refuse	خودداری کردن	vicinity	همسایگی، مجاورت
discover	کشف کردن، پی بردن	interrupt	حرف کسی را قطع کردن	region	ناحیه، منطقه	weird	غیر معمول، عجیب
discuss	مورد بحث قرار دادن	investigation	بررسی، تحقیق	reluctant	بی میل	wrestler	کشتی گیر

LESSON TEN

admit	اعتراف کردن	attitude	نگرش	compete	رقابت کردن	entire	همه، کل، تمام
algebra	جبر	back up	اثبات کردن	crops	محصولات	excel	برتر بودن، برتری داشتن
argument	استدلال	beard	ریش	debater	مناظره کننده	feminine	زنانه
ashamed	خجل، شرمنده	behave	رفتار کردن	department	اداره	flexible	انعطاف پذیر
at least	حد اقل	bend	خم کردن	deserted	متروکه	history	تاریخ
athlete	ورزشکار	boss	رئیس	dread	ترسیدن از، وحشت	horseracing	سوار کاری

if	آیا	menace	تهدید	race	مسابقه	title	لقب، عنوان
in a row	پشت سر هم، پیاپی	mount	بالا رفتن از، سوار شدن	reputation	شهرت، اعتبار	tower	برج
in front of	روبروی	narrow	باریک	respect	احترام	track	میدان سوار کاری
instead	در عوض	numerous	متعدد	speech	سخنرانی	undoubtedly	بی شک
jockey	اسب سوار، چابک سوار	obvious	آشکار، واضح	stare	خیره شدن	victorious	فاتح، پیروز
manner	شیوه	opening	شکاف، درز	statement	گفته	watchman	نگهبان
masculine	مذکر، مردانه	platform	سکو	tendency	گرایش	wise	عاقلاًنه

LESSON ELEVEN

absurd	مضحک، مسخره	flabby	سست، نرم، شل وول	mediation	میانجیگری	recent	اخیر
adventure	ماجرا	former	اسبق، قبلی	meeting	نشست	record	مدرک سند
aid	کمک	frequent	مکرر	minority	اقلیت	robber	دزد، سارق
award	پاداش، جایزه	glasses	عینک	monster	هیولا	salary	حقوق
beach	ساحل	glimpse	نگاه جزئی، نگاه کوتاه	near-sighted	نزدیک بین	shrub	درختچه
binoculars	دوربین صحرایی	grant	اعطا کردن	noisy	پر سر و صدا	silent	ساکت، صامت
cheat	تقلب کردن	gun	تفنگ	occasion	موقعیت، مناسبت	solitary	تنها، منزوی، انفرادی
compete	رقابت کردن	headache	سر درد	occur	اتفاق افتادن	studies	تحقیقات، مطالعات
conflict	درگیری، تضاد	hesitate	تعلل کردن، درنگ کردن	once	زمانی	suggestion	توصیه، پیشنهاد
constantly	دائم	human	انسان	opinion	نظر، عقیده	tale	داستان، قصه
convict	متهم کردن، متهم	ignore	نادیده گرفتن	opposition	مخالفت	truth	درستی
correct	اصلاح کردن	imagine	تصور کردن	peace	آرامش	underestimate	دست کم گرفتن
decade	دهه	importance	اهمیت	perfect	کامل	vicinity	نزدیکی، حوالی
disagreement	مخالفت	improve	بهبتر شدن	perhaps	شاید	victorious	فاتح، پیروز
enormous	عظیم الجثه	increase	افزایش	pill	قرص	vision	قدرت دید، بینایی، بصیرت
evidence	شواهد، مدرک	inhabit	سکونت داشتن	place	قرار دادن	visit	دیدار، بازدید
falsehood	کذب، دروغ	inhabitant	مقیم، ساکن	prove	ثابت کردن	visitor	بازدید کننده
fiction	خیالیبافی، داستان	killer	قاتل	proverb	ضرب المثل	vote	رای دادن
fisherman	ماهیگیر	lake	دریاچه	provide	ارائه کردن	yet	با این وجود، با این همه

LESSON TWELVE

abolish	منسوخ کردن	decade	دهه	hearing aid	سمعک	medical	پزشکی
action	اقدام	decrease	کاهش دادن،	hesitate	تعلل کردن، تردید کردن	minority	اقلیت
adequate	کافی، مناسب		کاهش یافتن	hide	پنهان کردن	numerous	متعدد
altogether	کلاً	defect	عیب، نقص	however	اما	numerous	متعدد
area	منطقه	demand	طلبیدن، خواستن	identity	هویت	owner	صاحب، مالک
audible	قابل سمع	desert	بیابان	ignite	مشتعل کردن	plan	قصد داشتن
auto	اتومبیل	dread	ترسیدن از	immediate	فوری	pollute	آلوده کردن
breathe	تنفس کردن	due to	بخاطر، به علت	improve	بهبود بخشیدن	population	جمعیت
business	کار و کسب	engine	موتور	inexpensive	ارزان	principal	مدیر مدرسه
business	مؤسسه‌ی تجاری	entire	کل، تمام	lack	عدم، فقدان، نبود	prohibit	مانع شدن، ممنوع کردن
call	مکالمه، تماس	exchange	مبادله کردن	landlord	صاحب خانه	property	ملک، دارائی
claim	ادعا کردن	flood	سیل	law	قانون	recent	اخیر
command	دستور، فرمان	forest	جنگل	lifeguard	نجات غریق	recently	اخیراً
conflict	تضاد، درگیری	frank	رک، صریح	location	مکان، موقعیت	reduce	کاهش دادن
cry	فریاد	fume	دود	manufacturer	تولیدکننده	reluctantly	با بی میلی
death penalty	اعدام	headache	گرفتاری، دردسر	match	کبریت	remark	سخن، جمله

rent	کرایه	settle	فروشناندن، حل و فصل کردن	spark plug	شمع	underestimate	دست کم گرفتن
reveal	برملا ساختن، آشکار کردن	shelter	پناه، پناهگاه	state	ایالت	urban	شهری
rural	روستایی	smoking	سیگار کشیدن	store	مغازه	urgent	ضروری، اضطراری
save	پس انداز کردن	so far	تا بحال، تاکنون	treasurer	صندوقدار	value	ارزش
sergeant	گروهبان	soap	صابون	turn on	روشن کردن	whole	تمام

LESSON THIRTEEN

affairs	أمور	experience	تجربه	manuscript	نسخه‌ی دستنویس	shape	شکل
although	بااینکه	face	مواجه شدن با	migrate	مهاجرت کردن	space	فضا
appear	ظاهر شدن	factory	کارخانه	movie	فیلم	spoiled	فاسد، خراب
audience	مستمعین	famine	قحطی، کمبود	much	بیشتر، اکثر	story	داستان، ماجرا
because of	به دلیل، به علت	fiction	ساختگی، تخیلی، داستان	murder	قتل	stupid	احمق
bill	صورتحساب	flag	پرچم	object	شیء	term	اصطلاح
butcher	قصاب	garage	تعمیرگاه	observant	مراقب، تیزبین	thief	سارق
celebrate	جشن گرفتن	ghostly	شیخ مانند	outer	بیرون	through	از میان
cellar	زیرزمینی	gleam	درخشش، برق	painting	نقاشی	twins	دوقلوها
claim	ادعا کردن	glimpse	نگاه اجمالی	permit	اجازه دادن	UFO	بشقاب پرنده
commence	شروع کردن، شروع شدن	graduation	فارغ التحصیلی	persist	ادامه دادن، سماجت کردن	unexpectedly	بطور غیرمنتظره
comprehensive	جامع	greenish	متماایل به سبز	pilot	خلبان	unidentified	نا شناس
conditions	شرایط	hazy	مه آلود، گرفته، مبهم	play	نمایشنامه	unusually	بطرز عجیبی
constantly	مدام، دائم	hesitate	تردید کردن، دودل بودن	preparation	آمادگی	vessel	رگ، کشتی
cover	پوشش دادن	hole	حفره، سوراخ	prohibit	شدن مانع	victim	قربانی
crowd	جمعیت	humid	مرطوب	proud	مفتخر	watchman	نگهبان
description	توصیف	identify	شناسایی کردن	publication	نشر، نشریه	weather	آب و هوا
details	جزئیات	journalist	روزنامه نگار	purely	کاملاً	wedding	عروسی
discussion	بحث	journalistic	روزنامه نگاری	religion	دین، مذهب	weird	عجیب
editor	ویراستار	lake	دریاچه	reveal	فاش کردن	whenever	هر گاه
exact	دقیق	livelihood	روزی، معاش	revive	احیاء کردن	wherever	هر جا
exaggerate	مبالغه کردن	magazine	مجله	rules	قوانین	witness	شاهد
		manage	اداره کردن	rumor	شایعه	wonder	در شگفت بودن

LESSON FOURTEEN

abandon	رها کردن، ترک کردن	brutal	بی رحم، وحشی	deceive	فریب دادن، گول زدن	experienced	مجزرب
action	عمل	brute	جانور وحشی	defective	کارآگاه	expert	متخصص، کارشناس
adequate	کافی، مناسب	bulky	بزرگ، حجیم	details	جزئیات	false	کذب، دروغ
anger	عصبانی کردن	catch	دستگیر کردن	devise	ابداع کردن، طراحی کردن	fewer	کمتر
approach	نزدیک شدن به	century	قرن	dislike	تنفر داشتن از	fire	اخراج کردن
as	وقتیکه	chess	شطرنج	document	سند	hazy	گرفته، مه آلود
bank	ساحل	circle	چرخیدن به دور	dread	ترسیدن از	identify	شناسایی کردن
beach	ساحل	client	مؤکل	duplicate	کپی کردن	ignite	روشن شدن
beat	شکست دادن	coach	مربی	earlier	قبلاً	lack	عدم
behavior	رفتار	coarse	خشن	easy-going	بی خیال	land	فرود آمدن
bewildered	گیج، مبهوت	commence	شروع کردن	elbow	با آرنج زدن	lawless	غیرقانونی
boss	رئیس	complain	شکایت کردن	employee	کارمند	lawyer	وکیل
boxer	مشت زن	costly	پرهزینه	engine	موتور	lift	بلند کردن
brawl	بحث، نزاع، جنگ و جدال	crime	جنایت	even though	با اینکه	likely	ممکن

locked	قفل شده	over	برسر	reform	اصلاح	underdog	بازنده
magician	جادوگر	pack	گروه، دسته	reveal	برملا ساختن	underestimate	دست کم گرفتن
mediocre	معمولی، متوسط	painting	نقاشی	rival	رقیب	unruly	نافرمان، شرور
menace	تهدید	partner	شریک	savage	وحشی	unusually	بطرز عجیبی
migrate	مهاجرت کردن	pool	استخر	shriek	فریاد، جیغ	urban	شهری
minority	اقلیت	prohibit	ممنوع کردن	skinny	لاغر، نحیف	vicious	پست، بدجنس
murderer	قاتل	quarrel	بحث	space	فضایی	violent	خشن، خشونت آمیز
once	وقتی که	quit	ترک کردن	strength	توان، نیرو	weird	عجیب
opponent	رقیب، حریف	rabbit	خرگوش	swear	قسم خوردن	whirl	به دور خود چرخیدن
oval	بیضی شکل	rage	غضب، خشم	thrust	پرتاب کردن	work out	نرمش کردن

LESSON FIFTEEN

abolish	منسوخ کردن	essential	ضروری	pioneer	پیشگام	so far	تاکنون
absurd	خنده دار، مسخره	evidence	شواهد	plan	طرح، نقشه	source	منشأ، منبع
ad	آگهی	expand	بزرگ شدن	pledge	قول دادن	suggestion	پیشنهاد
adequate	کافی	famine	قحطی، کمبود	praise	ستودن	sum	مبلغ
affairs	امور	follow	دنبال کردن	present	فعلی	swell	ورم کردن، باد کردن
affect	تحت تأثیر قرار گرفتن	following	پس از	promise	قول دادن	tax	مالیات
alter	تغییر دادن	fortunate	خوشبخت	pursue	دنبال کردن	temple	معبد
approach	راهکار، شیوه	fresh	تازه	reaction	واکنش	through	از طریق
assemble	جمع کردن	gain	بدست آوردن	reluctant	بی میل	truth	حقیقت
attitude	نگرش	grade	کلاس، پایه	remark	جمله، گفته	unanimous	هم رأی
bachelor	مرد بی زن	great	بزرگ، مشهور	renew	تجدید کردن	union	اتحادیه
bartender	پیاله دار، ساقی	habit	عادت	replace	جایگزین کردن	urban	شهری
behave	رفتار کردن	holy	مقدس	revise	اصلاح کردن	utilize	بکار بردن
boss	رئیس	innovative	نوآور، مبتکر	rule	قانون	vanish	ناپدید شدن
customer	مشتری	instead	در عوض	sacred	مقدس	vary	تغییر دادن
discover	کشف کردن	loyalty	وفاداری	salute	درود فرستادن	vision	بینایی، دید
edition	ویرایش	lucky	خوش شانس	senior	دانشجوی سال آخر	vote	رأی دادن، رأی
eliminate	حذف کردن	manner	شیوه، روش	sense	حس کردن	widow	بیوه زن
enlarge	بزرگ شدن	mature	بالغ	service	مراسم	worthy of	شایسته‌ی

LESSON SIXTEEN

accurate	درست، دقیق	cautious	محتاط	dense	انبوه	explore	کاوش کردن
alter	تغییر دادن	cautiously	محتاطانه	device	ابزار	eyeball	تخم چشم
anywhere	هرکجا	certainty	اطمینان	diamond	الماس	figure	قیافه
approve	تأیید کردن	conceal	پنهان کردن	doubt	تردید	freedom	آزادی
author	مؤلف	confident	مطمئن	eardrum	پرده‌ی گوش	gasoline	بنزین
beam	پرتو	conflict	درگیری	elevator	آسانسور	germ	میکروب
bleeding	خونریزی	container	ظرف	endless	بی پایان	glasses	عینک
bright	روشن	courage	رشادت، جرأت	enormous	عظیم، بسیار بزرگ	gloomy	دلگیر
burden	بار	course	روند	enormous	عظیم	grateful	ممنون، سپاسگزار
campus	محوطه	cure	علاج، درمان	exactly	دقیقاً	habit	عادت
cancer	سرطان	curvy	خمیده، دارای انحنای	exaggerate	غلو کردن	hammer	چکش
capacity	ظرفیت	debate	بحث	excel	برتر بودن از	hang	آویزان کردن

hurriedly	شتابزده	opponent	رقیب	scar	جای زخم	topic	مبحث، موضوع
ignore	توجه نکردن به	patient	بیمار	shiny	درخشان	torrent	سیل
insect	حشره	penetrate	نفوذ کردن به	sign	نشانه، علامت	total	کامل
jar	پارچ	persuade	متقاعد کردن	slender	باریک، لاغر	tradition	سنت
lead	سرب	pierce	نفوذ کردن، سوراخ کردن	slight	جزئی، اندک	unknown	ناشناخته
lecture	سخنرانی	probe	تحقیق، تحقیق کردن	speaker	سخنران	unlimited	بی حد و حصر
loan	قرض	prominent	برجسته	steel	فولاد	untamed	اهلی نشده
loud	بلند	question	مسئله	substance	ماده	usher	راهنما
majority	اکثریت	reasonable	مناسب، معقول	surely	قطعاً	vaporize	تبخیر کردن
marvelous	شگفت انگیز	remarkable	قابل ملاحظه	surgeon	جراح	vast	وسیع
massive	حجیم، عظیم	repair	ترمیم کردن	surpass	برتری داشتن بر	violently	با خشونت
mirror	آینه	resistance	مقاومت	survive	زنده ماندن	vision	دید
moisten	مرطوب کردن	retina	شبکیه	tearful	گریان	whether	آیا
nail	میخ	rural	روستایی	toothpick	خلال دندان	wonder	از خود پرسیدن

LESSON SEVENTEEN

absurd	مسخره	convenience	راحتی	harsh	خشن، شدید	pain-killer	مسکن، دردکش
addict	معتاد	deceive	گول زدن	inhale	استنشاق کردن	peril	خطر
alter	تغییر دادن	demand	تقاضا	instant	فوری، آنی	plan	قصد داشتن
appeal	خواهش کردن	denounce	محکوم کردن	judge	قاضی	polluted	آلوده
appealing	جذاب	desert	بیابان	luck	اقبال، شانس	potato	سیب زمینی
avoid	اجتناب کردن از	design	طراحی	medicine	پزشکی	quantity	مقدار
aware	آگاه	detect	پی بردن	menace	تهدید	realize	درک کردن، پی بردن
brawl	نزاع، درگیری	exaggerate	غلو کردن	miserable	بدبخت	regularly	مرتب
breathe	نفس کشیدن	favor	پسندیدن	misfortune	بد شانسی	skinny	لاغر
career	حرفه، شغل	fireplace	شومینه	navy	نیروی دریایی	swiftly	سریع
carpenter	نجار	flabby	چاق و فربه، شل و ول	neatly	تمیز، مرتب	thoroughly	کاملاً، بدقت
cheat	کلیک، حقه	fortunate	خوش شانس	nourish	تغذیه کردن	tone	لحن
check	بررسی کردن	gain	بدست آوردن	obvious	مشخص	trickery	کلیک
clothing	پوشاک	greedy	حریص	operation	عمل جراحی	wary	مراقب
contents	محتویات	habit	عادت	package	بسته	wretched	تأسف بار

LESSON EIGHTEEN

alter	تغییر دادن	conservative	محافظه کار	ingenious	زنگ، مبتکرانه	pedestrian	عابر پیاده
as well as	و نیز	consumer	مصرف کننده	invention	اختراع	pioneer	پیشگام
author	مؤلف	crash	اصابت کردن	investigator	محقق	play	نمایشنامه
auto	اتومبیل	economical	اقتصادی	jealousy	حسادت	praise	تحسین کردن
aware	آگاه	essay	مقاله	leap	پریدن	present	ارائه کردن
bakery	نانوایی	executive	مدیر	low-priced	کم قیمت	previously	قبلاً
brilliant	باهوش	fame	شهرت	lubricate	روغنکاری کردن	puppet	عروسک خیمه شب بازی
broke	کم پول	foam	کف کردن	manipulate	بکار بردن	purchase	خریدن
bulky	بزرگ، حجیم	forever	برای همیشه	manufacturer	تولید کننده	reckless	بی دقت، بی پروا
burglar	سارق	glance	نگاه اجمالی	nimble	چابک	refuse	رد کردن، نپذیرفتن
cheat	تقلب کردن	happening	رخداد، رویداد	nourishing	مغذی	relative	خویشاوند
coach	مربی	horrid	ترسناک	observant	تیزبین	shop	خرید کردن
commonplace	عادی	hour	ساعت	on foot	پیاده	shortly	مدتی کوتاه
confident	مطمئن	income	درآمد	own	داشتن	sidewalk	پیاده رو

smoker	سیگاری	substance	ماده	terrible	وحشتناک	wheel	چرخ
spy	جاسوس	sum	مبلغ	uninterested	بی علاقه	wounded	زخمی
stare	خیره شدن	tax	مالیات	urgent	ضروری	wretched	فلک زده، بدبخت

LESSON NINETEEN

abacus	چرتکه	conflict	درگیری	intelligence	استعداد	recommend	توصیه کردن
abolish	منسوخ کردن	crowd	جمعیت	keg	بشکه	reluctant	بی میل
absorb	جذب کردن	district	بخش	labor	زحمت	restless	ناآرام، بی قرار
absurd	مسخره، خنده دار	disturb	آشفته کردن	lawn	چمنزار	reveal	برملا ساختن
abundant	فراوان	divide	تقسیم کردن	leader	رهبر	reward	پاداش دادن
act	عمل کردن	dose	مقدار	leak	چکه کردن، نشت کردن	secretary	وزیر
add	اضافه کردن	elementary	ابتدایی	lobster	گوشت خرچنگ	security	امنیت
adequate	کافی	estimate	تخمین زدن، حدس زدن	morsel	لقمه	situation	موقعیت
admit	پذیرفتن، راه دادن	exaggerate	مبالغه کردن	multiply	ضرب کردن	source	منشأ، منبع
advertising	تبلیغات	expand	توسعه دادن	officials	مسئولین	sponge	اسفنج
agriculture	کشاورزی	expand	گسترش دادن	order	سفارش	spray	پاشیدن
anxious	نگران	famine	کمبود، قحطی	outsider	غریبه	subtract	منها کردن
appeal	خواهش کردن	farmer	کشاورز	panic	ترس، هراس	tasty	خوشمزه
appropriate	مناسب	field	زمین	peach	هلو	threat	تهدید
average	معدل	figure	حساب کردن	pesticide	آفت کش	tomato	گوجه فرنگی
ban	ممنوع کردن، قدغن کردن	fit	مناسب	plan	نقشه	total	کل
beer	آبجو	forbid	ممنوع کردن، بازداشتن	plate	بشقاب	treasurer	خزانه دار
buyer	خریدار	formal	رسمی	pledge	قول دادن	unanimously	به اتفاق آراء
calculate	محاسبه کردن	government	دولت	plentiful	فراوان، وافر	uneasy	ناراحت
capable	قادر	gun	تفنگ	prayer	نیایش، دعا	urgent	ضروری، لازم
charge	هزینه	harm	آسیب	predict	پیش بینی کردن	vicinity	نزدیکی، حوالی
chemist	شیمیدان	harvest	محصول، برداشت	prohibit	ممنوع کردن، بازداشتن	victorious	فاتح، پیروز
commence	شروع شدن	health	بهداشت	quota	سهم	wedding	مراسم عروسی
complaint	شکایت	horrid	ترسناک	race	مسابقه	whether	آیا
concrete	بتن	immigrant	مهاجر	recent	اخیر	worm	کرم

LESSON TWENTY

absorb	جذب کردن	dense	انبوه	major	سروان	reckless	بی توجه، بی دقت
ambush	کمین	disprove	تکذیب کردن	marvelous	شگفت انگیز، عالی	release	رها کردن
argument	استدلال	edge	لب، لبه	mind	ذهن	reluctant	بی میل
attack	حمله	emerge	ظاهر شدن	narrow	باریک	root	ریشه
audience	حاضر	enormous	بسیار بزرگ، عظیم	nimble	چابک، چالاک	second	ثانیه
barn	طویله	fence	حصار، نرده	odor	بو، رایحه	soldier	سرباز
beat	شکست دادن	fragile	شکننده	opening	شکاف، درز	steel	فولاد
captive	اسیر	grateful	ممنون، سپاسگزار	opponent	حریف، رقیب	strength	نیرو، قوا
comprehensive	جامع	hide	پنهان شدن	partner	شریک	tradition	سنت
crafty	حقه باز، رند	Indian	سرخپوست	perish	نابود شدن	vanish	ناپدید شدن
defiant	سرکش، مقاوم	ingenious	مبتکرانه	persuade	متقاعد کردن	vigor	نیرو
defraud	فریب دادن	juice	آب میوه	plan	طرح ریزی کردن	winner	برنده
delicate	ظریف	linger	ماندن	prisoner	زندانی	woods	جنگل

LESSON TWENTY ONE

agreement	موافقت نامه	debate	بحث کردن	majority	اکثریت	require	نیاز داشتن
anticipate	انتظار داشتن	defiant	سرکش	march	راهپیمایی	research	تحقیق
appeal	درخواست	detour	مسیر انحرافی	mayor	شهردار	run	اداره کردن
appropriate	مناسب	devise	ابداع کردن	mediocre	متوسط، معمولی	safety	امنیت
approve	قبول کردن	dilemma	معضل	merit	شایستگی	sensible	معقول
attempt	تلاش کردن	dive	شیرجه رفتن	midnight	نیمه شب	sentence	حکم
auto	اتومبیل	duty	وظیفه	murder	به قتل رساندن	signal	نشان، علامت
aviation	هوانوردی	earn	بدست آوردن	operation	عمل جراحی	situation	موقعیت
background	پیشینه	equipped	مجهز	pattern	الگو	solution	راه حل
baffle	گیج و مبهوت کردن	evade	دوری کردن از	pay	حقوق	station	ایستگاه
boss	رئیس	evil	شر، بدی	peace	صلح	though	گرچه
burglar	سارق	expert	کارشناس	perish	نابود شدن	threat	تهدید
captive	زندانی، اسیر	explore	بررسی کردن	pilot	خلبان	topic	مبحث، موضوع
charge	اتهام	expression	اصطلاح	plea	خواهش، درخواست	transmit	انتقال دادن
choice	گزینه، انتخاب	free	آزاد کردن	probe	بررسی	uneasy	آشفته، ناراحت
climb	صعود کردن	fright	ترس	promote	ارتقاء دادن	value	ارزش
collide	به هم خوردن	goodness	خوبی	receive	دریافت کردن	verify	تصدیق کردن
collision	برخورد	handwriting	دست خط	reduce	کاهش دادن	vessel	کشتی
commit	مرتکب شدن	harmful	مضر	relativity	نسبیت	warn	هشدار دادن
confirm	تأیید کردن	hero	قهرمان	release	آزاد کردن	weary	بیزار، خسته
consent	رضایت دادن	jail	زندان	relieve	تسکین دادن	weird	عجیب
crime	جنایت	land	فرود آمدن	replace	جایگزین کردن	witness	شاهد
data	اطلاعات	local	محلی	request	خواهش	wrethed	فلك زده، بیچاره

LESSON TWENTY TWO

a variety of	گوناگون، انواع	brand	گونه	delinquent	بزهکار	human being	انسان
accurate	صحيح، درست	brutal	وحشی	deprive	محروم کردن	in charge of	مسئول
acknowledge	اعتراف کردن	business	کار و کسب	detect	پی بردن	in ink	با خودکار
admit	اعتراف کردن	by force	به زور	drop	حذف کردن	inmate	زندانی
advice	توصیه	career	شغل، حرفه	elementary	ابتدائی	insurance	بیمه
allow	اجازه دادن	case	مورد	emerge	ظاهر شدن	join	پیوستن به
alone	تنها	cautious	مراقب	escape	فرار کردن	journalist	روزنامه نگار
anticipate	انتظار داشتن	circulate	پخش شدن	estimate	ارزیابی	jury	هیئت منصفه
appropriate	مناسب	club	باشگاه	excellent	عالی	lack	عدم، نبود
area	منطقه، ناحیه	conduct	رفتار	expert	کارشناس	law	قانون
army	ارتش	consider	بررسی کردن	eyesight	بینائی	less	کمتر
attach	متصل کردن	convict	متهم	fixed	ثابت	liberty	آزادی
attorney	وکیل مدافع	cost	هزینه	flag	پرچم	lie	دروغ گفتن
bachelor	مرد مجرد	counselor	مشاور	follow	دنبال کردن	math	ریاضی
balance	توازن، تعادل	court	دادگاه	freedom	آزادی	membership	عضویت
ban	ممنوع کردن	crafty	زیرک	grant	اعطا کردن	murder	قتل
bar	میله	criminal	مجرم	guidance	راهنمایی	news	خبر
beneficiary	ذینفع	dealing	برخورد	harvest	برداشت	niece	دختر خواهر
bewilder	گیج و مبهوت کردن	declare	اعلام کردن	hate	تنفر داشتن از	obey	اطاعت کردن
bill	لایحه	defiant	سرکش	homicide	قتل	occupation	حرفه، شغل

offender	متخطی	prefix	پیشوند	reluctantly	با بی میلی	throughout	سراسر
official	مسئول	prison	زندان	responsible	مسئول	thus	بنابراین
once	زمانی که	problem	مسئله	rough	خشن	trade	داد و ستد
owner	مالک، صاحب	profession	حرفه	rule	قانون	tradition	سنت
painting	نقاشی	promotion	ارتقاء	rural	روستائی	trend	روند
panic	ترسیدن	provide	ارائه کردن	satisfied	راضی	turn into	تبدیل شدن به
penalize	مجازات کردن	punishable	قابل تنبیه	set up	وضع کردن	unanimously	باتفاق آراء
penalty	مجازات	pursue	دنبال کردن	society	جامعه	unstable	بی ثبات
pick	انتخاب کردن	readily	براحتی	spouse	همسر	vicinity	نزدیکی
play	نمایش	reform	اصلاح	strict	سختگیرانه	warden	نگهبان
pledge	سوگند	refuse	خودداری کردن	tape	نوار	weary	خسته
possibility	امکان	reject	رد کردن	thoroughly	کاملاً	yell	فریاد کشیدن

LESSON TWENTY THREE

actor	هنرپیشه	dense	انبوه	hug	بغل گرفتن	rarely	بندرت
alligator	تمساح	deprive	محروم کردن	ignite	آتش زدن	reasonable	معقول
annual	سالانه	detective	کارآگاه	ingenious	مبتکر	regularly	بطور منظم
argument	استدلال	display	نمایش دادن	invasion	تهاجم	reptile	خزنده
attend	حضور یافتن در	drunken	مست	lizard	سوسمار	rival	رقیب
await	منتظر بودن	effort	تلاش	logical	منطقی	sale	فروش
beau	خاطرخواه	embrace	درآغوش گرفتن	lubricate	روغنکاری کردن	seldom	بندرت
beef	گوشت گاو	essential	ضروری	measure	اقدام	slender	باریک
beforehand	از پیش	exhibit	نمایش دادن	meeting	جلسه	snake	مار
brave	شجاع	expect	انتظار داشتن	needless	غیر ضروری	spit	تف کردن
bride	عروس	expensive	گران	nimble	چابک	splinter	خرده چوب
camp	اردوگاه	extract	استخراج کردن	partial	نسبی	surpass	جلو زدن از
cave dweller	غارنشین	fang	دندان نیش	peril	خطر	tooth	دندان
ceremony	مراسم	fashion	سبک، شیوه	persuade	متقاعد کردن	turtle	لاک پشت
chemist	شیمیدان	floor	کف	poison	سم	valiant	شجاع
courageous	پر دل و جرأت	foresight	پیش بینی	poisonous	سمی	vast	وسیع
craw	خزیدن	frank	صادق، رک و راست	precaution	اقدام احتیاطی	vicinity	حوالی، نزدیکی
creep	خزیدن	frequently	اغلب	prior	قبلی	wholesaler	عمده فروش
deadly	کشنده، مهلک	gift	هدیه	public	عمومی	witness	شاهد
denounce	محکوم کردن	groom	داماد	quota	سهم	yet	با این وجود

LESSON TWENTY FOUR

achieve	بدست آوردن	certain	مطمئن	defect	نقص	drug	مواد مخدر
action	اقدام، عمل	citizen	شهروند	delegate	تفویض کردن	eliminate	از بین بردن
addict	معتاد	coach	مربی	delinquent	بزهکار	encourage	تشویق کردن
approach	برخورد	command	فرمان دادن	demand	طلبیدن	enjoy	برخوردار بودن از
approach	نزدیک شدن به	comprehensive	جامع	deprive	محروم کردن	expect	انتظار داشتن
Attorney General	دادستان کل	confidence	اطمینان	destructive	مخرب	fierce	وحشی
authority	اقتدار، اختیار	consider	بررسی کردن	detest	متنفر بودن از	flea	کک
bedbug	ساس	consider	تلقى کردن	devise	ابداع کردن	fortune	ثروت
belief	باور، اعتقاد	contempt	تحقیر	dislike	دوست نداشتن	free	عاری
branch	شاخه	continually	دائم، مدام	dismal	دلگیر	frown	اخم کردن
cautious	مراقب	courage	جرأت	dread	ترسیدن از	grief	اندوه

harsh	شدید، خشن	mice	موشها	prohibit	ممنوع کردن	spouse	زن، شوهر
hate	تنفر داشتن از	milder	ملایم تر	quarrel	بحث	statue	مجسمه
husband	شوهر	monarch	شاه	raise	مطرح کردن	tip	انعام
in favor of	موافق با	neutral	بیطرف، خنثی	rat	موش صحرایی	treatment	برخورد
increase	افزایش دادن	obedience	اطاعت	recent	اخیر	troublesome	دردسرساز
ineffective	بی اثر	objection	اعتراض	recommendation	توصیه	unconcerned	بی خیال
inhabit	سکونت داشتن	offender	متخطی	reject	رد کردن	unpleasant	نامطلوب
interpret	تفسیر کردن	olive	زیتون	relative	خویشاوند	unstable	بی ثبات
lawyer	وکیل	once	زمانی	religion	مذهب	unwelcome	نامطلوب
lessen	کاهش دادن	opponent	حریف	remain	ماندن	valiant	شجاع
lice	شپش،	pain	درد	reptile	خزنده	vision	بینائی
lion	شیر	peace	صلح	right	حق	volume	جلد
logical	منطقی	penalty	مجازات	scorn	تمسخر	wail	جیغ و داد کردن
loud	بلند	plan	طرح، نقشه	scornful	تحقیر آمیز	well-known	معروف
lower	پائین آوردن	point	اشاره کردن	scowl	اخم کردن	whether	آیا
matter	موضوع	prohibit	مانع شدن	sneer	مسخره کردن	wrestler	کشتی گیر

LESSON TWENTY FIVE

abroad	خارج	embrace	درآغوش گرفتن	learned	مطلع شد	scheme	طرح
against	برخلاف	employer	کارفرما	license	گواهی	selection	انتخاب
altogether	کلاً	envy	حسادت	local	محلی	sour	تلخ
architect	معمار	envy	مایه‌ی حسادت	logical	منطقی	spouse	همسر
as well	هم، نیز	evidence	شواهد	maker	سازنده	squander	تلف کردن
bachelor	مرد بی زن	exceed	تجاوز کردن از	marvelous	عالی	state	حالت
bigamy	تعدد زوجات	failure	مردودی	mason	سنگ کار	structure	ساختمان
blessing	موهبت	faithful	وفادار	materials	مصالح	suitcase	چمدان
calamity	مصیبت	fee	حق الزحمه	matrimony	ازدواج	surroundings	محیط
capture	دستگیر کردن	firm	شرکت	misfortune	بدشانسی	suspicious	مشکوک
carpenter	نجار	flood	سیل	no longer	دیگر	sweetness	شیرینی
case	پرونده	foolish	احمقانه	painter	نقاش	though	گرچه
ceremony	مراسم	forgiveness	بخشش، عفو	pauper	بیچاره	tiler	کاشیکار
check	بررسی کردن	free	آزاد کردن	plasterer	گیچکار	tray	سینی
chemistry	شیمی	fugitive	فراری	plumber	لوله کش	trunk	چمدان
collapse	فرو ریختن	glazier	شیشه بر	practice	تمرین	turn	شدن
consider	تلقی کردن	government	دولت	prosecute	تحت پیگرد قرار دادن	unpack	باز کردن
contractor	پیمانکار	grew	شد	refuse	امتناع ورزیدن	vacation	تعطیلات
creator	خالق	hire	استخدام کردن	regard	تلقی کردن	victory	پیروزی
design	طراحی کردن	holy	مقدس	resentful	آزرده خاطر	vigor	نیرو
detective	کارآگاه	in favor of	موافق با	revolution	انقلاب	wealth	ثروت
devise	ابداع کردن	inheritance	ارث	roof	بام	weight	وزن
discover	کشف کردن	justice	عدالت	roofer	آسفالت کار	welder	جوشکار
drunken	مست	lack	نبود، فقدان	safe	ایمن	whenever	هر وقت
electrician	برق کش	lather	تراشکار	saving	پس انداز	will	وصیت

LESSON TWENTY SIX

accidentally	تصادفاً	delicious	خوشمزه	host	میزبان	respond	پاسخ دادن
achievement	دست یافته	desire	میل	hostess	میزبان زن	save	پس انداز کردن
adventure	ماجرا	destination	مقصد	human	انسان	serpent	افعی
approach	نزدیک شدن به	direct	راهنمایی کردن	ignorant	نادان	shape	شکل
attempt	تلاش کردن	doubt	شک کردن	image	تصویر	sharp	شدید
attract	جذب کردن	effort	تلاش	invitation	دعوت	shield	سپر
awesome	سهمگین	excuse	بهانه	issue	مسئله	shoulder	شانه
awkward	ثقیل	express	بیان کردن	manner	شیوه، روش	sigh	آه
battle	نبرد	failure	شکست	medicine	دارو	sight	منظره
beckon	اشاره کردن	fate	سرنوشت	monster	هیولا	silent	ساکت
behave	درست رفتار کردن	fierce	وحشی، خشن	motion	حرکت	soldier	سرباز
betray	خیانت کردن به	fine	جریمه کردن	nail	میخ	step	پا گذاشتن
betray	لو دادن	foam	کف	nervousness	آشفتنگی	stone	سنگ
blinking	چشمک زدن	follow	دنبال کردن	opponent	رقیب	succeed	موفق شدن
brave	شجاع	force	مجبور کردن	pacify	آرام کردن	suggestion	پیشنهاد
bright	روشن	forest	جنگل	pain	درد	talkative	پر چانه، پر حرف
bulky	عظیم	glance	نگاه	possible	ممکن	thirst	عطش
call	تماس	goddess	الهه	pride	افتخار	through	از میان
cautiously	محتاطانه	graceful	باوقار	properly	به طور صحیح	toy	اسباب بازی
coach	مربی	graduation	فارغ التحصیلی	quench	فرونشاندن	turn	پیچیدن
command	فرمان	guide	راهنما	react	واکنش نشان دادن	tyranny	ظلم
compel	وادار کردن	handle	دسته	realm	قلمرو	undertake	متقبل شدن
composition	انشاء	happen	اتفاق افتادن	reject	رد کردن	unfaithful	بی وفا
considering	با توجه به	heaven	آسمان	relaxed	راحت	utter	برزبان آوردن
cry	فریاد	heavy	سنگین	relief	آسودگی خاطر	venture	جرأت کردن
dare	جرأت کردن	hire	استخدام کردن	renew	تمدید کردن	wonder	شگفتی
defeat	شکست دادن	history	تاریخ	respect	احترام	worse	بدتر

LESSON TWENTY SEVEN

abandon	کنار گذاشتن	compel	وادار کردن	exhaust	تخلیه کردن	imagine	تصور کردن
action	عمل	concern	نگرانی	exhausted	خسته	income	درآمد
ancient	باستانی، باستان	conditions	شرایط	explain	توضیح دادن	injuries	جراحات
annoy	ناراحت کردن	contamination	آلودگی	explosion	انفجار	ivy	پیچک
appreciate	قدردانی کردن از	curtain	پرده	feeble	ضعیف	lead to	منجر شدن به
argument	بحث	delivery	تحویل	financial	مالی	manage	موفق شدن
attempt	تلاش	descendant	نواده	fireman	آتش نشان	mineral	ماده معدنی
breathing	تنفس	describe	توصیف کردن	formerly	قبلاً	miserly	خسبیس
burglary	سرقت	despite	علیرغم، با وجود	fuel	سوخت	monarch	شاه
calamity	فاجعه	determine	تعیین کردن	glance	نگاه	nation	کشور
case	مورد	disaster	بلا	greedy	حریص	next to	کنار
cease	متوقف کردن	disbelief	نا باروری	guide	راهنما	pacify	آرام کردن
certain	خاص	disrupt	مختل کردن	habit	عادت	plague	طاعون
climb	صعود	effort	تلاش	harshness	سختگیری	plenty	وفور
collapse	فروپاشی	exaggerate	اغراق کردن	house	اسکان دادن	pollution	آلودگی
common	مشترک	excuse	بهانه	human	انسان	population	جمعیت

principal	مدیر مدرسه	response	واکنش	stingy	خسیس	top	نوک
punishment	تنبیه	retreat	عقب نشینی	storm	طوفان	treasury	خزانه
pupil	دانش آموز	reveal	نشان دادن	strength	قوا، نیرو	unite	متحد شدن
race	نژاد	rise	بلند شدن	such as	نظیر	upset	آشفته کردن
rapid	سریع	ruler	حاکم، فرمانروا	surely	قطعاً	utter	مطلق
rarely	به ندرت	sailor	ملوان	survive	زنده ماندن	vast	وسیع
rash	کهیر، شتاب زده	severity	شدت	swift	سریع	victim	قربانی
recklessly	با بی دقتی	sidewalk	پیاده رو	threaten	تهدید کردن	violence	خشونت
regret	غبطه خوردن	squander	تلف کردن	thrifty	صرفه جو	warning	هشدارآمیز
resources	منابع	still	بی حرکت	throughout	سراسر	whispering	پچ پچ کردن

LESSON TWENTY EIGHT

acceptable	قابل قبول	excessive	بیش از حد	nutrition	تغذیه	snake	مار
accurate	درست، صحیح	exhibit	نمایشگاه	offender	متخطی	so as to	که
advertising	تبلیغات، آگهی	exile	تبعیدی	operation	عمل	so that	که
annoying	ناراحت کننده	extreme	بی نهایت	opponent	مخالف	source	منبع
appeal	درخواست	fashion	سیک، شیوه، روش	ought to	باید	stamp	مهر
approval	تأیید	fatty	چرب	outlaw	غیرقانونی اعلام کردن	star-crossed	نگون بخت
as well as	و نیز	feeble	ضعیف	outlaw	مطرود، جانی	statement	گفته
attempt	تلاش	fiction	داستان	pack	دسته	stolen	مسروقه
background	پیشینه	former	قبلی	permit	اجازه دادن	strength	نیرو
bait	طعمه	fortune	ثروت	pledge	متعهد شدن	suffering	رنج
ban	ممنوع کردن	freedom	آزادی	plenty of	فراوان	sufficient	کافی
behave	رفتار کردن	healthful	سالم	position	موضع	sugary	قندی
brutal	وحشی	hook	قلاب	preserve	حفظ کردن	sum	مبلغ
cancel	سانسور کردن	horoscope	طالع نما	presidency	رئیس، ریاست	survey	بررسی
coach	مربی	hurricane	تندباد	prime minister	نخست وزیر	survivor	بازمانده
coastal	ساحلی	illustrate	توضیح دادن	products	محصولات	tempt	وسوسه کردن
commercial	پیام بازرگانی	imprisonment	حبس	promote	ارتقاء دادن	the press	مطبوعات
comparison	مقایسه	industry	صنعت	proper	مناسب، شایسته	threaten	تهدید کردن
consider	تلقی کردن	infant	طفل، نوزاد	pump	تلمبه	torment	اذیت کردن
culprit	گناهکار، مجرم	influence	تحت تأثیر قرار دادن	purchase	خرید	trap	دام
curtain	پرده	inhabitant	ساکن	quantity	مقدار	treasure	گنج
decay	خرابی، فساد	innocent	بی گناه	raise	افزایش دادن	twin	دوقلو
delinquent	بزهکار	lift	بالا بردن	rank	رتبه	unaccustomed	نا آشنا
demand	خواسته	local	محلی	recent	اخیر	uncover	برملا ساختن
deprive	محروم کردن	locate	پیدا کردن	recommend	توصیه کردن	undernourished	مبتلا به سوء تغذیه
develop	توسعه دادن	loss	خسارت	refuse	رد کردن	unkind	نامهربانانه
disabled	معلول	market	بازار	reluctant	بی میل	vicinity	نزدیکی
disaster	فاجعه	means	شیوه	rest	بقیه	viewer	بیننده
disclose	فاش کردن	merit	خوبی	sale	فروش	violent	خشون
doll	عروسک	misfortune	بدبختی	scene	صفحه	wealthy	ثروتمند
earthquake	زلزله	monster	هیولا	secret	راز	wind	باد
enormous	عظیم	national	ملی	serve	بکار رفتن	witness	شاهد
event	واقعه	numerous	بی شمار	shout	فریاد زدن		

LESSON TWENTY NINE

action	عمل	congressman	عضو کنگره	goal	هدف	promise	وعده
admit	اعتراف کردن	conscience	وجدان	governor	فرماندار	property	اموال
alligator	تمساح	costly	پرهزینه	grow	شدن	pupil	دانش آموز
anger	خشم	counselor	مشاور	improvement	بهبودی	rather than	بجای
annually	سالانه	coyote	گرگهای صحرایی	inexperienced	بی تجربه	regain	بازیافتن
apologize	پوزش خواستن	crash	تصادف	intended	مورد نظر	repetition	تکرار
apology	معذرت	cripple	معلول کردن	journey	سفر	respond	پاسخ دادن
armed	مسلح	culprit	مجرم	juvenile	جوان	retreat	عقب نشینی
attempt	تلاش	daze	گیج و مبهوت کردن	ladder	نردبان	salesman	فروشنده
attendance	حضور	defeat	شکست	lake	دریاچه	seatbelt	کمربند ایمنی
awkward	نامناسب، ناجور	despite	علیرغم	lawmaker	قانونگذار	severity	شدت
battle	مبارزه، نبرد	disable	ناتوان کردن	lead	راهنمایی کردن	specific	خاص
bill	لایحه	disastrous	فاجعه آمیز	less	کمتر	struggle	تلاش بیهوده
blow	ضربه	disclose	فاش کردن	lower	پایین تر	stumble	تلو تلو خوردن
blow	وزیدن	dreaded	وحشتناک	maim	علیل کردن	stupid	احمقانه
blunder	اشتباه	drown	در آب خفه کردن	mayor	شهردار	subside	فروکش کردن
bobcat	گره‌ی وحشی	entire	کل، تمام	mistreatment	بد رفتاری	succeed	موفق شدن
bravery	شجاعت	exactly	دقیقاً	mourn	سوگوارى کردن	such	چنین
bright	با استعداد	excessive	مفرط	offender	متخلف، متخطی	suggestion	پیشنهاد
calamity	فاجعه	exempt	مستثنی	overturn	واژگون کردن	tendency	گرایش
camp	اردوگاه	exhausted	خسته	painful	دردناک	thrifty	صرفه جو
campaign	مبارزه	fever	تب	passage	تصویب	through	از میان
canoe	قایق	fighter	مبارز	pauper	بیچاره	toil	زحمت
cease	دست برداشتن از	fire	اخراج کردن	perfect	کامل	trifle	مسائل جزئی
ceaselessly	بی وقفه	flashlight	چراغ قوه	permanent	دائم	trifling	جزئی
clumsily	با دست پاچگی	flood	سیل	politician	سیاستمدار	trip	سفر
collapse	سقوط کردن	foe	دشمن	pond	استخر	vain	پرافاده
commend	ستودن	force	مجبور کردن	praise	تحسین کردن	wave	موج
comprehend	درک کردن	frank	صاف و صادق	private	خصوصی	wherever	هرجا
confuse	گیج کردن	furniture	مبلمان	progress	پیشرفت	woods	جنگل

LESSON THIRTY

accuracy	دقت	design	طرح	illness	بیماری	please	خشنود ساختن
appoint	انتخاب کردن	disaster	فاجعه	juvenile	جوان	plot	طرح
architect	معمار	disclose	فاش کردن	meeting	نشست	position	منصب
beckon	علامت دادن	equip	تجهیز کردن	mortal	فانی، کشنده	quarter	اسکان دادن، بخش
commend	تحسین کردن	estate	ملک	neglect	بی توجهی کردن به	represent	نشان دادن
consider	قلمداد کردن	excellent	عالی	novel	جدید	shack	کلبه
deadly	کشنده	extent	میزان	occupant	ساکن	though	گرچه
depict	به تصویر کشیدن	follow	دنبال کردن	penniless	بی پول	unforeseen	پیش بینی نشده
describe	توصیف کردن	fortunate	خوشبخت	pertain	ارتباط داشتن با	urgent	اضطراری

LESSON THIRTY ONE

abandon	کنار گذاشتن	crazy	دیوانه	hour	ساعت	plain	دشت
advantage	مزیت	debate	بحث	identify	شناسایی کردن	primitive	اولیه
alive	زنده	deceive	گول زدن	idle	بیکار، تنبل	program	برنامه
ancient	باستان، باستانی	deserve	شایستگی داشتن	idol	بت	propose	مطرح کردن
annual	سالانه	dipression	رکود	illustrate	نشان دادن	protesters	تظاهر کنندگان
attempt	تلاش	disagree	مخالفت کردن	image	تصویر	quote	نقل قول کردن
attitude	نگرش	discussion	بحث	imagination	تخیل	recklessness	بی پروایی
average	معمولی	dismal	غم انگیز	insane	دیوانه	record	مسابقه
battle	نبرد	display	نمایش دادن	jail	زندان	refuse	خود داری کردن
bewildering	متحیر کننده	distance	مسافت	jest	جک، شوخی	regularly	مرتب
bleed	خونریزی کردن	early	اولیه	land	زمین	reject	رد کردن
bravery	شجاعت	educational	آموزشی	lecture	سخنرانی	roommate	هم اتاقی
buyer	خریدار	especially	خصوصاً	losing	بازنده	ruins	خرابه‌ها
captive	اسیر	excitement	هیجان	loyal	وفادار	rumour	شایعه
caution	احتیاط	exhibit	نمایش دادن	lunacy	حماقت	save	نجات دادن
cave	غار	expert	متخصص	lunatic	فرد دیوانه	soil	خاک
certainly	قطعاً	exploration	کاوش	matter	موضوع	striking	قابل ملاحظه
champion	قهرمان	extremely	بسیار	message	پیام	transmit	انتقال دادن
chance	فرصت	farmer	کشاورز	metal	فلزی	undoubtedly	بی تردید
chick	جوجه	fascinating	جذاب	mind	ذهن	uneasy	نگران، ناراحت
circulate	پخش شدن	fate	سرنوشت	mockery	تمسخر	uneventful	بدون رخداد
civilization	تمدن	fertile	بارور	monster	هیولا	unusual	عجیب
claim	ادعا	fireman	آتش نشان	morality	اخلاقیات	valor	شجاعت
coffin	تابوت	foolish	احمق	novel	جدید	vein	درز، شکاف، رگ
collect	جمع آوری کردن	frontier	مرز	observer	ناظر	verify	تصدیق کردن
commendation	تحسین	fugitive	فراری	obviously	قطعاً	vicinity	نزدیکی، حوالی
commuter	مسافر درون شهری	gathering	همایش	operation	عمل جراحی	view	دیدگاه
conclusion	استنتاج	generation	نسل	opponent	حریف	virus	ویروس
conductor	شاگرد شوfer	greed	حرص	oppose	مخالفت کردن	welcome	استقبال کردن از
confine	محدود کردن	happening	واقعه	panic	ترس	while	گرچه
considerable	قابل ملاحظه	healthy	سالم	participate	شرکت کردن	willingly	مشتاقانه
cooperate	همکاری کردن	holiday	تعطیلی	patriotic	میهن پرستانه	worship	پرستیدن، ستودن
courage	جرأت	horrid	وحشتناک	pioneer	پیشگام	wrist	مچ

LESSON THIRTY TWO

abandon	ترک کردن	attempt	تلاش	citizen	شهروند	curriculum	برنامه
acknowledge	اعتراف کردن	attendance	حضور	colleague	همکار	custom	رسم
alibi	بهانه	background	پیشینه	collection	مجموعه	dean	رئیس دانشکده
allow	اجازه دادن	baggage	اثاثیه	combat	نبرد	defence	دفاع
ancients	قدما	battle	جنگ	conclude	نتیجه گرفتن	defendant	متهم
and the like	و غیره	battlefront	جبهه	condition	شرط	delay	تأخیر
annoy	نارحت کردن	blessing	موهبت	condition	وضعیت	diminish	کاهش دادن
anticipate	پیش بینی کردن	blood	خون	confine	محدود کردن	dip	فرو کردن
arrow	تیر، پیکان	caution	احتیاط	confirm	تأیید کردن	direct	هدایت کردن
associate	همیار	character	شخصیت	criticism	انتقاد	disaster	فاجعه

dishonest	متقلب	infant	طفل	protection	حفاظت	structure	ساختار
dismal	غم انگیز	interrupt	قطع کردن	provide	ارائه کردن	such as	نظیر
dispute	بحث	investigator	محقق	provided	بشرطی که	supply	ارائه کرن
distress	گرفتاری	knight	شوالیه	pursue	تعقیب کردن	supporters	طرفداران
distressing	ناراحت کننده	legend	افسانه	rare	نادر	surprise	تعجب
drop	کاهش یافتن	librarian	کتابخانه دار	recall	بیاد آوردن	target	هدف
duty	وظیفه	locate	پیدا کردن	refer	ارجاع دادن	temperature	دما
eliminate	حذف کردن	loyalty	وفاداری	refuse	خود داری کردن	text	متن
employee	کارمند	magic	جادوئی	registration	ثبت نام	the bible	انجیل
except	بجز	maim	معلول کردن	relationship	رابطه	the latest	آخرین، جدیدترین
excessive	مفرط	majority	اکثریت	remark	گفته، سخن	thus	بنابراین
expression	اصطلاح	manipulation	دستبرد	report	گزارش	torment	شکنجه دادن
faithfulness	وفاداری	memorize	حفظ کردن	representative	نماینده	touch	لمس کردن
flee	گریختن	mighty	نیرومند	rescue	نجات دادن	transmit	انتقال دادن
flow	جریان داشتن	misfortune	بدبختی	resent	تنفر داشتن از	unnecessary	غیر ضروری
follow	تبعیت کردن	monaroch	پادشاه	revolution	انقلاب	unscheduled	برنامه ریزی نشده
fragile	شکننده	mythology	اساطیر	river	رودخانه	unusual	عجیب
fund	اموال	nature	ماهیت	sacredness	قداست	valiant	دلیر
gift	هدیه	news	خبر	save	نجات دادن	valor	شجاعت
graduate	فارغ التحصیل	nimble	تیز، چالاک	secure	تأمین کردن	vein	رگ
greatest	بیشترین	out of	از روی	sense	حس	verse	آیه
greed	حرص	pain	درد	sensitive	حساس	victim	قربانی
Greek	یونانی	patriotic	میهن پرستانه	sign	نشانه	victory	پیروزی
habit	عادت	pedestrian	پیش پا افتاده	signify	نشان دادن	vulnerable	آسیب پذیر
headache	سر درد	persistent	مداوم	signify	نشانه‌ی چیزی بودن	warrior	رزمنده
heat	گرما	persuade	متقاعد کردن	silly	احمقانه	weakness	ضعف
heel	پاشنه	plan	قصد داشتن	solitary	تنها	welfare	رفاه
hero	قهرمان	pledge	متعهد شدن	sorrow	غم	willing	مایل
honorable	محترم	plot	توطئه	spell	هجی کردن	wind	باد
identify	شناسایی کردن	poison	سم	spot	نقطه	worry	نگران کردن
illustration	تصویر	predict	پیش بینی کردن	state	بیان کردن	wrap	بسته بندی کردن
individual	شخص	pride	افتخار	strength	نیرو	wretched	فلاکت بار

LESSON THIRTY THREE

abuse	سوء استفاده، بد رفتاری	divide	تقسیم کردن	illustration	توضیح	orphanage	یتیم خانه
addiction	اعتیاد	draft	احضار به سربازی	injure	مجروح کردن	penalize	مجازات کردن
apologize	معذرت خواستن	editor	ویراستار	insult	اهانت، توهین	peril	خطر
appreciate	درک کردن	eliminate	از بین بردن	introduction	مقدمه	pirate	دزد دریایی
article	مقاله	entertain	سرگرم کردن	investigation	تحقیق	pitch	صدا
aware	آگاه	fairly	عادلانه	jolly	شاد	pour	ریختن
awesome	وحشتناک، سهمگین	first rate	درجه یک	journalist	روزنامه نگار	prejudice	پیش داوری
case	پرونده	fleeing	متواری	jury	هیئت منصفه	prisoner	زندانی
chimney	دودکش	fugitive	فراری	lawyer	وکیل	privilege	مزیت
concern	دغدغه	gloomy	دلگیر	lecture	سرزنش، سخنرانی	prosecute	پیگیری کردن
cricket	جیر جیرک	harm	صدمه زدن به	minority	اقلیت	pursuit	تعقیب
deliver	ایراد کردن (سخنرانی)	hesitate	تعلل کردن	nature	ماهیت	relationship	رابطه
despite	علیرغم	hinder	مانع شدن	offer	ارائه کردن	reluctant	بی میل
disclose	فاش کردن	ignore	بی توجهی کردن به	opinion	عقیده	remark	اظهار، گفته

replace	جایگزین کردن	speaker	سخنران	such	چنین	volunteer	داوطلب
result	نتیجه	spouse	همسر	torrent	سیل	warning	هشدار
shriek	جیغ کشیدن	storm	طوفان	twinkle	چشمک	weird	عجیب
shrill	گوش خراش	subside	فروکش کردن	urban	شهری	whistle	سوت

LESSON THIRTY FOUR

adequate	کافی	earn	بدست آوردن	mayor	شهردار	resentment	نفرت
adolescent	نوجوان	effect	تأثیر	mention	ذکر کردن	response	واکنش
affect	تحت تأثیر قرار دادن	emotionally	از نظر احساساتی	mercury	جیوه	responsibility	مسئولیت
announce	اعلام کردن	encourage	تشویق کردن	miniature	کوچک	retail	خرده فروشی
annual	سالانه	entitled	تحت عنوان	moderate	ملایم	rubbish	آشغال
approve of	تأیید کردن	experiment	آزمایش	mostly	عمدتاً	scarcely	بندرت
assignment	تکلیف	express	اظهار داشتن	neat	تمیز	sensitive	حساس
attitude	نگرش	extra	اضافی	note	متوجه شدن	share	تقسیم کردن
baffle	مهبوت ساختن	extreme	افراطی	nourishing	مغذی	shift	تغییر
baggage	اثاثیه	fat	چربی	numerous	متعدد	skim	خواندن شتابزده
beneficial	سودمند	fault	نقصه	observant	تیز بین	smallpox	آبله
bring up	بزرگ کردن	fiction	داستان	observe	مشاهده کردن	sooth	آرام کردن
campus	محوطه	flame	شعله	obvious	مشخص	spontaneous	خودجوش
candidate	نامزد	fundamental	اساسی	occupant	ساکن	subside	فروکش کردن
ceremony	مراسم	gain	بدست آوردن	offend	ناراحت کردن	surrender	تسلیم شدن
cheer	هلهله کردن	gallant	شجاع	offer	ارائه کردن	swallow	پرستو
claim	ادعا کردن	grading	نمره دهی	oily	روغنی	temperate	ملایم، معتدل
coeducational	مختلط	grant	اعطاء کردن	old-fashioned	قدیمی	tension	تنش
commend	ستودن	handwriting	دستخط	opponent	رقیب	thermometer	دماسنج
competition	رقابت	hardship	سختی	opposed	مخالف	threaten	تهدید کردن
concerned with	مربوط به	hastily	شتابزده	outlaw	یاغی	through	از طریق
conclusion	نتیجه	homicide	قتل، آدم کشی	outlook	دید	topic	موضوع
condition	وضعیت	honest	صادق	patient	بیمار	tradition	سنت
conduct	برگزار کردن	honor	افتخار	pile	توده	untidy	نامرتب
confident	مطمئن	hopeful	امیدوارانه	polio	فلج اطفال	utensil	ابزار، وسیله
conquer	مغلوب کردن	imagine	تصور کردن	precaution	احتیاط	vaccine	واکسن
consent	رضایت دادن	in order	مرتب	precede	آمدن پیش از	vast	وسیع
conservative	محافظه کار	infant	طفل، کودک	prepare	آماده کردن	vicious	تبهکار
contract	مبتلا شدن به	influence	تحت تأثیر قرار دادن	prominent	برجسته	victorious	پیروز
course	دوره	inject	تزریق کردن	properly	درست، بطرز مناسب	violent	خشن
crowd	جمعیت	institution	مؤسسه	propose	پیشنهاد کردن	warden	نگهبان
cruel	بیرحم	journalism	روزنامه نگاری	rag	کهنه	wholesale	عمده فروشی
decline	کاهش	judge	ارزیابی کردن	rank	رتبه	womanhood	زنانگی
discussion	بحث	manhood	مردی	rather	برعکس	wretched	فلاکت بار
disruptive	مختل کننده	massive	عظیم	rehearsal	تمرین	yet	با این همه
dreaded	ترسناک	mature	سنجیده و پخته	reject	نپذیرفتن، رد کردن	zone	منطقه

LESSON THIRTY FIVE

absurd	مسخره	adolescent	نوجوان	approved	تأیید شده	carelessness	بی دقتی
account	شرح حال	adventure	ماجرا	as well as	و نیز	case	پرونده
accurate	صحیح	ambition	بلند پروازی	boast	بالیدن	chance	شانس

charter	دریست	event	واقعه	merit	مزیت، خوبی	result	نتیجه
circulate	پخش کردن	exaggeration	اغراق	misfortune	بدشانسی	rule	قانون
coeducational	مختلط	excuse	بهانه	misread	غلط خواندن	rumor	شایعه
compel	وادار کردن	finance	امور مالی	mute	ساکت	scheme	طرح
comprehend	درک کردن	fixed	ثابت	neutral	بیطرف	shape	شکل
confident	مطمئن	flight	پرواز	obtain	بدست آوردن	show	نمایش
convincing	متقاعد کننده	force	نیرو	outcome	پیامد	soar	اوج گرفتن
counselor	مشاور	frightened	ترسیده	outdated	از مد افتاده	source	منبع
decade	دهه	further	بیشتر	peak	قله	stationary	ثابت
decide	تعیین کردن	guidance	راهنما	pedestrian	عابر پیاده	still	بیحرکت
definite	مشخص	happening	رخداد	platform	سکو	subsequent	بعدی
discard	دور انداختن	homicide	قتل، آدمکشی	population	جمعیت	tactful	باتدبیر
discount	تخفیف	hostel	هتل	position	موضع	the latest	آخرین
dispute	بحث	identity	شناسایی	present	ارائه کردن	tradition	سنت
distinct	مشخص	imply	تداعی کردن	private	سرباز وظیفه	vague	مبهم
distribute	توزیع کردن	in vein	بیهوده	quality	کیفیت	valor	شجاعت
eagle	عقاب	lawyer	وکیل	raise	بالا بردن	view	دیدن
effort	تلاش	lecture	سخنرانی	rank	رتبه	violence	خشونت
elevate	بالا بردن	lot	بخت آزمایی	refuse	رد کردن	wave	موج
employee	کارمند	lottery	بخت آزمایی	relate	نقل کردن	weird	عجیب
entitle	اجازه دادن	matter	موضوع	remain	ماندن	win	بدست آوردن
equal	برابر	means	شیوه، روش	resist	مقاومت کردن	wisdom	خرد، عقل

LESSON THIRTY SIX

adequate	کافی	detain	بازداشت کردن	hastily	عجولانه	narcotic	مخدر
against	برخلاف	disrupt	مختل کردن	hasty	شتابزده	nerves	اعصاب
age	عصر	disturbance	آشفتگی	horror	وحشت	offer	پیشنهاد
ancient	باستانی	drowsiness	بیخوابی	hostility	خصومت	ointment	پماد
apologize	پوزش خواستن	dull	تسکین دادن	hurried	عجولانه	on time	به موقع
apology	پوزش	embrace	آغوش	illegal	غیر قانونی	opium	تریاک
assemble	جمع کردن	embrace	در آغوش گرفتن	incident	واقعه	outsider	غریبه
at once	فوراً	enormously	بسیار زیاد	indeed	حقیقتاً	own	داشتن
attention	توجه	estimate	تخمین زدن	intermission	وقفه	perfect	کامل
baffle	مبہوت ساختن	express	ابراز کردن	iron	اتو	perish	نابود شدن
baggage	اثاثیه	farmer	کشاورز	issue	مسئله	pick up	برداشتن
based on	بر مبنای	feed	تغذیه دادن	jail	زندان	plea	خواهش
behavior	رفتار	fierce	خشن	jest	شوخی، لطیفه	position	موقعیت
bigamy	تعدد زوجات	follow	دنبال کردن	juice	عصاره، آب	prescribe	تجویز کردن
calm	آرام کردن	following	پس از	juvenile	جوان	prompt	به موقع
carry out	انجام دادن	former	قبلی	lawful	قانونی	promptly	به موقع
ceasefire	آتش بس	fortunately	خوشبختانه	lessen	کاهش دادن	proper	شایسته
comfort	دلداری کردن	generous	سخاوتمند	license	جواز	properties	ویژگیها
complicity	همدستی	glance	نگاه اجمالی	loan	قرض	property	ملک
consent	رضایت دادن	golden	طلایی	medicine	دارو	quiet	آرام کردن
convince	متقاعد کردن	grateful	سپاسگزار	mercy	ترحم	ray	اشعه
decision	تصمیم	Greece	یونان	minister	کشیش	recent	اخیر
delinquent	بزهکار	harmful	مضر	misfortune	بدشانسی	redeem	باز خرید کردن
designer	طراح	harmony	هماهنگی	mumble	من من کردن	reduce	کاهش دادن

refrain	خود داری کردن	reveal	فاش کردن	substance	ماده	temporarily	موقتاً
reject	رد کردن	scorch	سوزاندن	suffering	درد، رنج	texture	بافت
relieved	آسوده خاطر	seat	جا	sunburn	آفتاب سوختگی	troubled	آشفته
remark	گفته	sentence	حکم	sympathetic	موافق	violinist	نوازنده‌ی ویولن
request	خواهش	shape	شکل	tablecloth	رومیزی	wheat	گندم
resume	از سر گرفتن	soothe	آرام کردن	tempest	طوفان	youngster	جوان

LESSON THIRTY SEVEN

abide	اطاعت کردن، تحمل کردن	drought	خشکسالی	lie	دروغ	sign	نشانه
abroad	خارج، به خارج	dryness	خشکی	lion	شیر	sneer	پوز خند زدن
accuse	متهم کردن	duty	وظیفه	majestic	باشکوه	squander	تلف کردن
advice	توصیه	dwelt	اقامت داشتن	migrate	مهاجرت کردن	station	مستقر کردن
appoint	منصوب کردن	dwindle	کوچک شدن	mine	معدن	stump	کنده
at once	فوراً	efficient	کارآمد	miser	آدم خسیس	summit	اوج
betray	خیانت کردن	endure	تحمل کردن	monarch	پادشاه	surplus	مازاد
charge	اتهام	entirely	کاملاً	mythology	اساطیر	symbol	نماد، نشانه
citizen	شهروند	especially	خصوصاً	national	ملی	take	نیاز داشتن
consider	بررسی کردن	essential	ضروری	noble	شریف	threat	تهدید
continual	مدام	estimate	تخمین زدن	novel	رمان	throne	تخت
cotton	پنبه	excess	مازاد	on purpose	عمداً	top	نوک، قله
creature	مخلوق	excuse	بهانه	parachute	چترنجات	trace	دنبال کردن
crops	محصولات	extra	اضافی	patriot	میهن پرست	training	آموزش
damage	آسیب زدن	faithful	وفادار	platform	سکو	traitor	خائن
deceive	فریب دادن	fertile	حاصلخیز	plentiful	فراوان	underestimate	دست کم گرفتن
deliberate	عمدی	forest	جنگل	point	نقطه	unify	متحد کردن
deliberately	عمداً	furious	خشن	precious	ارزشمند	unpolluted	غیر آلوده
demand	تقاضا کردن	grand	بزرگ	prevent	جلوگیری کردن	vandal	خرابکار
demonstration	تظاهرات	grumble	غرزدن	profession	حرفه	vanish	ناپدید شدن
destroy	از بین بردن	harmony	هماهنگی	property	دارائی	verify	تأیید کردن
destruction	نابودی	heed	توجه کردن به	recruit	سرباز	vermin	حیوانات مودی
development	تحول	heir	وارث	riches	ثروت	visible	قابل رؤیت
dignified	باعزت	ignorantly	ناخواسته	rightful	محق	wheat	گندم
diminish	کاهش دادن	inherit	به ارث بردن	ruling	حکم	wilfully	خواسته
dirt	کثیفی	intended	مورد نظر	safety	ایمنی	woodland	جنگل
discard	دور انداختن	kingly	ملوکانه	ship	فرستادن		

LESSON THIRTY EIGHT

absolute	مطلق	cast	هنرپیشه‌ها	condemn	محکوم کردن	disorder	بی نظمی
adventure	ماجرا	caution	هشدار دادن	crowd	جمعیت	disturbance	آشفتنگی
alone	تنها	charity	خیرات	cruel	ظالم	drench	خیس کردن
approach	نزدیک شدن به	chin	چانه	curtain	پرده	drenched	خیس
approval	توافق	classic	اثر کلاسیک	darkness	تاریکی	dry out	خشک کردن
architect	معمار	clothing	پوشاک	decision	تصمیم	dwindle	کم شدن
baffle	گیج و مبهور کردن	command	فرمان	defeated	مغلوب	entire	تمام
bed	بستر	community	جامعه	dejected	افسرده	even	حتی
biography	زندگی نامه	conceal	پنهان کردن	descend	فرود آمدن	experience	تجربه
campus	محوطه	conclude	نتیجه گرفتن	director	مدیر	explore	تحقیق کردن

failure	شکست	lifeguard	نجات غریق	reasonable	معقول	swarm	گروه، فوج
fair	عادل	loyalty	وفاداری	rebel	شورش	thoroughly	کاملاً
feeble	ضعیف	majority	اکثریت	recede	برگشتن	tide	جزر و مد
figure	چهره	master	صاحب	recommend	توصیه کردن	tie	بستن
fleet	ناوگان	mercy	ترحم	remain	ماندن	traitor	خائن
free	رایگان	mild	ملایم	request	درخواست	tumult	آشوب، سرو صدا
generation	نسل	monarch	پادشاه	respect	احترام	tyrant	حاکم ظالم
grateful	ممنون	mosquito	پشه خاکی	resume	از سر گرفتن	unique	منحصراً به فرد
guilty	مجرم	narrow-minded	کوته فکر	revive	به هوش آوردن	unjust	غیر منصف
handful	مشت	obedience	اطاعت	royal	سلطنتی	uproar	آشفتگی
heavy	سنگین	obedient	مطیع	ruler	حاکم	verdict	رأی، حکم
helpless	بیچاره	obey	اطاعت کردن	sailor	ملوان	violent	خشونت آمیز
hook	قلاب	obtain	بدست آوردن	scowl	اخم کردن	volunteer	داوطلب
ignore	نادیده گرفتن	occur	اتفاق افتادن	shipwrecked	کشتی شکسته	warship	کشتی جنگی
insect	حشره	originally	در اصل	shore	ساحل	weary	خسته
institution	مؤسسه	oversized	بسیار بزرگ	slope	شیب	weed	علف هرز
intention	قصد، نیت	palace	قصر	smallness	کوچکی	wet	خیس کردن
interview	مصاحبه	peg	میخ	soak	خیساندن	wherever	هر کجا
invasion	تهاجم، حمله	platform	سکو	spirits	روحیه	while	گرچه
judge	سنجیدن	plead	تقاضا کردن	still	بی حرکت	whole	تمام
judgement	حکم	prejudice	تبعیض	story	داستان	willing	مایل
knee	زانو	principal	مدیر مدرسه	subject	زیر دست	withdraw	عقب کشیدن
kneel	زانو زدن	probe	تحقیق کردن	sunshine	نور خورشید	wobble	تلو تلو خوردن
lack	نداشتن	realize	پی بردن	swamp	باتلاق	written	مکتوب

LESSON THIRTY NINE

advertise	آگهی کردن	custom	رسم	further	دیگر، بیشتر	legible	خوانا
against	بر علیه	customary	مرسوم	gambling	قمار	liquid	مایع
ancient	باستان	debtor	بدهکار	ghost	شیخ، روح	loan	قرض
announce	اعلام کردن	defective	معیوب	Greece	یونان	loyalty	وفاداری
appear	ظاهر شدن	defraud	فریب دادن	habit	عادت	lunatic	فرد دیوانه
assassinate	ترور کردن	depart	ترک کردن	handwriting	دستخط	majority	اکثریت
boiling	جوش	department	اداره	hasty	شتابزده	matrimony	ازدواج
borrow	قرض گرفتن	dig	حفر کردن	hinder	مانع شدن	matter	موضوع
buried	مدفون	discovery	کشف	homicide	قتل	menace	تهدید
call off	لغو کردن	dish	ظرف	honesty	صداقت	morality	اخلاقیات
capture	دستگیر کردن	effective	مؤثر	host	میزبان	no longer	دیگر
carrier	ناقل	entire	تمام	identify	شناسایی کردن	numerous	متعدد
chest	سینه	exactly	دقیقاً	instance	مثال	occupy	اشغال کردن
circus	سیرک	execution	اعدام	interview	مصاحبه	opposition	مخالفت
clergyman	روحانی	exhibit	نمایش دادن	investor	سرمایه گذار	order	سفارش
composition	انشاء	expect	انتظار داشتن	jealousy	حسادت	over	روی
confine	محدود کردن	expression	اصطلاح	jest	شوخی	owe	بدهکار بودن
contact	تماس	false	قلابی	jolly	شاد	parade	رژه
contagious	واگیردار	fate	سرنوشت	ladder	نردبان	partner	شریک
correspond	همهانگ بودن	fever	تب	lava	گدازه‌ها	penalize	تنبیه کردن
critic	ناقد	fortunate	خوشبخت	leave	مرخصی	perform	انجام دادن

peril	خطر	rest	بقیه	spread	پخش شدن	unearth	از زمین بیرون آوردن
phrase	عبارت	root	ریشه	stamp	تمبر	urgent	فوری
plot	طرح	sacred	مقدس	statement	صورت حساب	vague	میهم
pour	ریختن	scene	صحنه	steam	بخار	vase	گلدان
public	عمومی	shipment	محموله	superstition	خرافات	verdict	رأی، نظر
recline	دراز کشیدن	shower	دوش	task	وظیفه	victorious	پیروز
regular	معمولی	since	چونکه	testify	شهادت دادن	visible	پیدا
religious	مذهبی	sinister	شوم	the Middle Ages	قرون وسطی	volunteer	داوطلب
reluctant	بی میل	slice	قطعه	traitor	خائن	wealthy	ثروتمند
remark	گفته	slip	لیز خوردن	transparent	شفاف	witch	جادوگر
repay	باز پرداختن	sneer	پوزخند زدن	triangle	مثلث	yawning	خمیازه کشیدن

LESSON FORTY

absenteeism	غیبت گرایی	excess	اضافی	nervous	عصبی	revise	بازنگری کردن
actual	واقعی	extreme	مفرط	obesity	چاقی مفرط	riot	شورش
affect	تحت تأثیر قرار دادن	eyesight	بینایی	objection	اعتراض	ruin	ویرانی
agency	سازمان	face	مواجه شدن با	obstacle	مانع	sale	فروش
agreement	موافقت	failure	شکست	obstruction	انسداد	salesman	فروشنده
ailment	بیماری	fatness	چاقی	openly	علناً	save	نجات دادن
applicant	متقاضی	fault	عیب	oral	شفاهی	service	خدمت
arthritis	درد مفاصل	forbid	قدغن کردن	order	دستور دادن	spinal column	ستون فقرات
assist	یاری دادن	fresh	تازه	organ	اندام	spread	پخش شدن
attend	حضور یافتن	frightened	ترسیده	outbreak	شیوع	surgery	جراحی
ban	ممنوعیت	functioning	عملکرد	overweight	بسیار چاق	survey	بررسی
barbed wire	سیم خاردار	hardship	سختی	penetrate	نفوذ کردن	tactfully	با تدبیر
basis	مینا	hinder	مانع شدن	pension	مستمری	terminology	اصطلاحات
beyond	فرا تر از	ignorance	نادانی	popularity	محبوبیت	thorough	جامع
bodily	جسمی	impediment	مانع	precedent	الگو	topic	موضوع
boss	رئیس	income	درآمد	prejudice	پیش داوری	torment	شکنجه دادن
calamity	فاجعه	injury	مصدومیت	preserve	حفظ کردن	treat	درمان کردن
calculate	محاسبه کردن	issue	مسئله	prevention	پیشگیری	treatment	درمان
career	شغل	jeopardize	به خطر انداختن	promise	قول	turnout	حضور
citizen	شهروند	joint	مفصل	promotion	ارتقاء	unique	بی نظیر
compel	وادار کردن	justice	عدالت	proportion	نسبت	unpleasant	ناخوشایند
confidently	مطمئناً	lead to	منجر شدن به	put down	سرکوب کردن	vacant	خالی
confirm	تأیید کردن	leave	مرخصی	quantity	مقدار	valiant	شجاع
consideration	ملاحظه	lot	زمین	recent	اخیر	ventilate	تهویه کردن
construction	ساخت	loyal	وفادار	recent	اخیر	venture	جرات کردن
contagious	واگیردار	lungs	ششها	recommend	توصیه کردن	verdict	حکم، رای
convention	همایش	magnify	بزرگ کردن	relieve	تسکین دادن	vermin	حیوانات موذی
criticize	انتقاد کردن	medical	پزشکی	remind	یادآوری کردن	vertebrae	ستون فقرات
depiction	تجسم	mediocre	معمولی	request	درخواست	vital	حیاتی، ضروری
discuss	بحث کردن	merit	خوبی، ارزش	require	نیاز داشتن	voter	رأی دهنده
discuss	بحث کردن	minor	جزئی	residential	مسکونی	weight	وزن
election	انتخابات	minus	منفی	resources	منابع	widespread	گسترده
embarrassment	خجالت	motion	مصوبه	response	پاسخ	wound	زخم، جراحت
employment	استخدام	municipal	شهرداری	retirement	بازنشستگی	written	کتبی

LESSON FORTY ONE

acronym	سرنام	drunken	مست	matter	موضوع	refrain	خودداری کردن
actuality	واقعیت	engagement	نامزدی	mayor	شهردار	rehabilitate	توانبخشی کردن
affection	محبت	escape	فرار کردن	menace	تهدید	reputation	آبرو، اعتبار، شهرت
aid	کمک کردن به	estimate	برآورد	mind	ذهن	residential	مسکونی
appoint	منسوب کردن	expense	هزینه	morgue	سردخانه	restore	بازگرداندن
area	ناحیه	explore	بررسی کردن	multitude	تعداد زیاد	secretary	وزیر
attitude	نگرش	fierce	خشن	nominate	نامزد کردن	shriek	جیغ زدن
beloved	مورد علاقه، عزیز	fleeing	فراری	nuclear	هسته‌ای	slender	باریک
benefit	مزیت	flood	سیل	offender	متخطی	sofa	کاناپه
button	دگمه	former	قبلی	overcome	غلبه کردن بر	standing	جایگاه
capability	توانایی	freedom	آزادی	painful	دردناک	sting	نیش، نیش زدن
check	بررسی کردن	frigid	سرد	parole	آزادی مشروط	survival	بقا
circle	دایره	fugitive	فراری	pension	مستمری	survive	زنده ماندن
climate	آب و هوا	gallantly	شجاعانه	polluter	آلوده کننده	tear	اشک
comment	نظر دادن	horizon	افق	porch	ایوان	true	واقعی
complacent	از خود راضی	horizontal	افقی	position	وضعیت	turn	چرخاندن
compliment	تعریف	ideal	آرمان	possession	دارایی	unknown	ناشناخته
conditional	مشروط	idol	بت	possibility	امکان	upholstery	روکش مبل
construct	ساختن	illegal	غیرقانونی	preoccupied	درگیر	velvet	مخمل
criminal	جانی	indifference	بی تفاوتی	promptly	فوراً	vertical	عمودی
culprit	مجرم	juvenile	جوان	pursue	تعقیب کردن	victim	قربانی
determination	عزم	lateness	تاخیر	rank	رتبه	wasp	زنبور
devote	اختصاص دادن	lever	اهرم	reference	مرجع	weapons	تسلیحات

LESSON FORTY TWO

afresh	از نو	deserving	لایق	load	بارگیری کردن	secretly	مخفیانانه
ahead of	پیش از	determine	تصمیم گرفتن	maintain	حفظ کردن	shore	ساحل
amend	اصلاح کردن	diminish	کاهش دادن	measure	اقدام	slayer	قاتل
anticipate	انتظار داشتن	discard	دور انداختن	multitude	شمار زیاد	sneer	پوزخند
apologize	معذرت خواستن	disrespect	بی احترامی	numb	بی حس	snub	محل نگذاشتن
article	مقاله	drop	انداختن	number	تعداد	starving	گرسنه
ballot	برگه‌ی رأی	endure	تحمل کردن	organization	سازمان	submit	تسلیم کردن
bear	تحمل کردن	expose	قرار دادن در معرض	parole	آزادی مشروط	subside	فروش کردن
bear	خرس	fair	منصفانه	passage	تصویب	torment	شکنجه دادن
blame	تقصیر	flame	شعله ور شدن	patriot	میهن پرست	train	آموزش دادن
breath	نفس	forgery	جعلی	pauper	فرد بیچاره	treat	رفتار کردن
cargo	بار	governor	فرماندار	piece	قطعه	treatment	رفتار
cast	ریختن	grant	اعطا کردن	platform	سکو	uncover	فاش کردن
cease	متوقف شدن	guinea pig	موش آزمایشگاهی	ponder	تأمل کردن	unload	تخلیه بار
charity	خیریه	hastily	شتابزده	practice	عمل	unprotected	بی حفاظ
client	مؤکل	illegal	غیرقانونی	prohibit	ممنوع کردن	valiant	شجاع
coin	سکه	indifference	بی تفاوتی	promptly	فوراً	verdict	حکم
confirm	تأیید کردن	injury	جراحت	rage	غضب	violation	تخطی
consider	بررسی کردن	jagged	ناهموار	rare	نادر	voting	رأی گیری
constitution	اساسنامه	keep	حفظ کردن	rather than	به جای	wave	موج
contempt	تحقیر	knight	سلحشور	resign	استعفا دادن	wearily	خسته
count	شمردن	laborer	کارگر	resistance	مقاومت	wharf	اسکله
declare	اعلام کردن	leave	گذاشتن	revenge	انتقام	whole	کل
deed	عمل	legend	افسانه	ridicule	تمسخر	wrath	خشم
defeat	شکست	legible	خوانا	scornfully	تحقیر آمیز	yield	تسلیم شدن